

مطالعه تحلیلی نقش اندیشه توحیدی در نظم

شهربانو مؤمنی دارابی^۱، حبیب الله حلیمی جلودار^۲، محمد مهدی کریمی نیا^۳، مجتبی انصاری مقدم^۴

^۱ طلبه سطح چهار (دکتری) رشته تفسیر تطبیقی، مرکز تخصصی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، بابل، استان مازندران، مدیر مرکز تخصصی ریحانه الرسول (سلام الله علیها) جویبار؛ مدرّس و پژوهشگر

^۲ دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، ایران

^۳ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)

^۴ دانشجوی دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

توحید، از آموزه های اعتقادی اسلام می باشد و دارای اقسام و مراتبی است. و نهایت بعثت انبیاء بیان مسأله توحید و ساختن انسان کامل بوده است. اعتقاد به وحدانیت خدا، خطوط کلی جهان شناسی و جهان بینی انسان را ترسیم می کند. ایمان به خدا، افزون بر نقشی که در اعتقاد انسان دارد، آثاری در حوزه رفتار انسانی بر جا می گذارد. بنابراین بررسی این موضوع در رفتار انسان از اهمیت زیادی برخوردار است. بدین جهت این مقاله به این سؤال پاسخ داده است که اندیشه توحیدی در نظم امور چه نقشی می تواند داشته باشد؟ با بررسی کتب تفسیری، روایی و مقالات مرتبط، به نقش اندیشه توحیدی در رفتار فردی و اجتماعی پرداخته شد، و این نتیجه مهم حاصل شد که انسان موحد با پیروی از دستورات اسلام، همواره نظم در خوردن، عبادت، پایبندی به عهد و پیمان و گفتار را رعایت می کند و این امر مهم در زندگی مردان الهی به وضوح دیده می شود. پس می توان نتیجه گرفت، هر چه اعتقاد توحیدی فرد قویتر باشد عمل او نیز بی نقص خواهد شد.

واژه های کلیدی: اندیشه توحیدی، نظم، نظم فردی، نظم اجتماعی

مقدمه

توحید زیربنایی ترین اصل اعتقادی ادیان توحیدی است و به تعبیری غایت بعثت انبیاء بیان مسأله توحید و ساختن انسان موحد است که ذاتا و صفتا و فعلا به توحید رسیده باشد و غیر از ذات و صفت و فعل خدا چیزی را نبیند. این شعار همه ادیان توحیدی و حنیف است که لا اله الا الله و حده و حده یعنی وحده فعلا و حده صفتا و حده ذاتا و به تعبیر امام خمینی: «همه انبیای الهی در این جهت حرکت کرده اند که دست انسان را بگیرند و او را از چاه انانیت و کثرت بینی، رها کنند و به اوج توحید برسانند و بت هایی را که شریک خدا قرار داده است، بشکنند و به انسان نشان دهند که مؤثر واقعی در همه شؤونات وجود تنها اوست.» (امام خمینی، تفسیر سوره حمد)

اصل وجود یگانه و هستی یکتای الهی، مایه حیات و عامل قیام جهان و جهانیان است و همه هستی به حی قیوم تکیه و اعتماد دارد، تمام اندیشه های اصیل و افکار قویم، مرهون وابستگی و پیوستگی به اندیشه توحیدی است. با اینکه انسان گمان می کند که توحید یکی از مسائل اسلام است و هزاران مسئله دیگر در اسلام در کنار توحید قرار گرفته است، ولی وقتی با نگاهی دقیقتر می نگرند می بیند اسلام سراسر توحید است یعنی تمام مسائل آن چه آنها که مربوط به اصول عقائد است و چه آنها که به اخلاقیات و امور تربیتی و یا به دستور عملهای روزانه ارتباط دارد همگی یکجا و یکپارچه توحید است. در اسلام دو توحید وجود دارد: نظری و عملی. توحید نظری مربوط به عالم شناخت و اندیشه است. یعنی خدا را به یگانگی شناختن، و توحید عملی یعنی خود را در عمل یگانه و یک جهت و در جهت ذات یگانه ساختن. (مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲، ص ۱۰۳) به عبارت دیگر توحید نظری یعنی شناخت یگانه بودن خدا، و توحید عملی یعنی یگانه شدن انسان!! توحید در عمل نشانه توحید در عقیده، و نتیجه توحید افعال می باشد، که بیانگر عمل و رفتار انسان است، نسبت به وظایفی که در مقابل پروردگار خود دارد.

از جمله اموری که از فضایل اخلاقی شمرده می شود و در آموزه های اسلام بر آن تأکید شده است نظم در کارهاست. چه بسیار اتفاق می افتد که مسلمانان خدا را به یگانگی شناختند اما در عمل بر اساس شناخت خود رفتار نمی کنند. بسیاری از مشکلات و بحرانی که امروزه در زندگی فردی و اجتماعی مسلمین بوجود می آید به علت غفلت کردن از عمل توحیدی است، با توجه به این امر مهم بر آن شدیم تا به این سؤال پاسخ دهیم که اندیشه توحیدی چه نقشی با نظم در کارها دارد و این دو چه ارتباطی با هم دارند؟ اگر فردی موحد و خداپرست باشد، این اعتقاد تأثیری در عملکرد او خواهد داشت؟ خدا باوری فرد سبب خدامحوری خواهد شد؟ به عنوان مثال وقتی فردی اندیشه توحیدی او بدون نقص باشد، در تمام کارهای خود نظم را رعایت می کند، در خواندن نماز اول وقت، در وفای به عهد، در انجام فریضه حج، در غذا خوردن، در گفتار و... در این مقاله به دنبال اثبات این امر هستیم و با رسیدن به این ارتباط می توان بسیاری از کارهای خود را اصلاح کنیم، و رنگ و بوی الهی ببخشیم. البته مفسران در ذیل آیات توحیدی مطالبی را مطرح کردند و معصومین علیهم السلام نیز در مورد امور روزمره و نظم در کارها و نظم در عبادات روایات بسیاری را بیان کردند که هر کدام از آنها برای ما راهگشاست. کتبی مانند اندیشه توحیدی تألیف شهید مطهری؛ توحید در قرآن تألیف آیت الله جوادی آملی و اخلاق در قرآن آیت الله مصباح یزدی و اخلاق عبادی تألیف علی اصغر الهامی نیا و ... به مسأله توحید پرداختند و تألیفات دیگری برای اثبات نظم در جهان، اما ما در این مقاله تنها به ارتباط اندیشه توحیدی و نظم خواهیم پرداخت و به برخی از ابعاد نظم، مانند نظم فردی و اجتماعی و ارتباط آنها با اندیشه توحیدی مورد بررسی قرار می دهیم.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. توحید

از ریشه «وحد» به معنی انفراد است، واحد در اصل چیزی است که مطلقاً جزئی ندارد یکی و واحد است. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۱۸۸؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۲۵) و واحد، در ذات و صفت تک است. (ابوهلال عسکری، بی-تا، ص ۱۳۲) در احادیث معصومین علیهم السلام، توحید به معنای نفی هر گونه شرک برای خداست. (ابن بابویه، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۲۰؛ گیلانی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۹) توحید به قسم نظری و عملی تقسیم می شود و دارای مراتبی است که حد نصاب آن، توحید در الوهیت است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۶۴) توحید نظری بینش کمال است و توحید عملی جنبش در جهت رسیدن به کمال. توحید نظری پی بردن به یگانگی خداست و توحید عملی یگانه شدن انسان است. توحید نظری «دیدن» است و توحید عملی «رفتن». (مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲، ص ۱۰۳) توحید نظری خود به سه مرتبه ذاتی، صفاتی و افعالی تقسیم می شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۲) توحید عملی از نوع بودن و شدن است و توحید در عبادت از نوع توحید عملی است. (مطهری، همان)

۱-۲. اندیشه توحیدی

چون ذات واجب الوجود یگانه است، پس جهان از نظر مبدا و منشا و از نظر مرجع و منتهی یگانه است. جهان نه از اصل های متعدد پدید آمده و نه به اصل های متعدد باز می گردد؛ از یک اصل و از یک حقیقت پدید آمده «قل الله خالق کل شیء» آیه ۱۶/ رد و به همان اصل و همان حقیقت باز می گردد «لا الی الله تصیر الامور» آیه ۵۳/ شوری و به تعبیر دیگر، جهان هستی، یک قطبی و یک کانونی و تک محوری است. اندیشه توحیدی یعنی «خدا همه جا هست» و «تمام افعال ما در دید خداست.» و اگر تنها باشم باز از درون اعتقاد دارم خدا هست.

۱-۳. نظم

به معنای ترتیب، آراستگی، سامان و پیوستگی است. (فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۶۵؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۵۷۸) این واژه در لغت به رشته در آوردن مهره های جواهر، هم ردیف کردن چیزی با چیز دیگر یا ضمیمه بعضی از آن به بعض دیگر می باشد. (زمخشری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲)

۱-۴. نظم اجتماعی

مبین توقع های اساسی زندگی اجتماعی است. هر جامعه با هرنوع اعتقادات، سنت ها، گرایش های سیاسی و با هر سیستم حکومتی نیازمند داشتن نظم و ترتیب خاص برای اداره خود است. حتی جوامع اولیه انسان ها دارای نظم اجتماعی بوده است کما اینکه جنبه طبیعی این نظم را نمی توان نادیده گرفت. در جوامع ابتدایی این نظم به طور خود بخودی ایجاد شد اما با وجود تنوع و پیچیدگی، جوامع کنونی نیازمند قوانینی هستند که این نظم را ایجاد کنند. سنت ها، آداب و رسوم قومی هر جامعه به تنهایی تأمین کننده نظم اجتماعی نیستند اما اهمیت هریک حسب درجه وابستگی آن ها به جامعه غیرقابل انکار است و قوانین و مقررات با توجه به این سنت ها تدوین می شوند. (نوربها، ۱۳۹۱، ص ۳؛ چلبی، ۱۳۷۵، ص ۳۱)

۲. نقش اندیشه توحیدی در نظم فردی

بررسی آموزه های دینی این حقیقت را آشکار می نماید که نظم منحصر به بعدی از ابعاد زندگی بشر نمی باشد بلکه در عرصه های مختلف فردی، اجتماعی، عبادی و... جریان دارد. البته رعایت نظم فردی، فقط اختصاص به دین اسلام ندارد و در اغلب جوامع انسانی رعایت نظم فردی و اجتماعی از قوانین بشری آن نظام شمرده می شود، اما آن چه اهمیت دارد این که رعایت این امر مهم چه ارتباطی با باور توحیدی دارد؟ آیا می توان گفت، مردان الهی که اعتقاد توحیدیشان کامل است، در کارهای خود منظم ترند؟ برای پاسخ بدین پرسش به دستورات اسلامی که مراجعه می کنیم ارتباط بین این دو امر بیشتر روشن می شود، به خصوص وقتی به زندگی بزرگانی همچون انبیاء رجوع کنیم این امر ثابت می گردد.

دستورات اسلامی برنامه ای دقیق در امور فردی ارائه نموده اند که رعایت آن شیرینی نظم را به کام خواهد نشاند. این دستورها از ساده ترین امور تا حساس ترین آنها جریان دارد. برای نمونه نظم در زندگی پیامبر عینیت یافته و سراسر زندگی ایشان را انضباط بخشیده بود. **امام حسین** علیه السلام فرمودند: «از پدرم در مورد امور داخلی زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدم. فرمود:... چون وارد منزل می شد اوقات خود را به سه قسمت تقسیم می کرد، بخشی را به عبادت خدا اختصاص می داد و بخشی را به خانواده اش و بخشی را به خودش. وقت مخصوص به خودش را نیز میان خود و مردم تقسیم می کرد و خواص را می پذیرفت و مسائل و موضوعات را از طریق آنان به عامه ارجاع می داد و چیزی از ایشان مضایقه نمی کرد. روش آن بزرگوار در این زمان اختصاص یافته به امت، این بود که در پذیرفتن افراد و اختصاص دادن مقدار زمان ملاقات اهل فضل را به نسبت فضل و مقامی که در دین داشتند بر دیگری مقدم می داشت. (شیخ صدوق، ۱۳۶۱، ص ۸۱) پیامبر اکرم مصداق بارز موحد و خداپاوار در زندگی شخصی خود و همچنین در تعامل با دیگران نظم سرلوحه کارهایشان بوده است. از این نمونه ها در زندگی مردان امروزی هم دیده می شود که پیامبر اکرم را اسوه و الگوی خود در همه کارها قرار دادند. کسانی که با زندگی امام خمینی آشنايند، یکی از ویژگی های زندگی ایشان را نظم می شمارند، از خاطرات خانم حدیدچی در این مورد آمده است که «اصولا دیدگاه امام در مورد تنظیم وقت در زندگی این بود که وقتی انسان به برنامه های خود در زندگی نظم ببخشد مسلما وجود خود او نظم پیدا می کند. این موضوع نه برای من بلکه برای دیگران نیز کاملا محسوس بود، آن قدر که پلیس فرانسه به ما می گفت: ما حتی ساعت های خودمان را با رفت و آمد امام تنظیم می کنیم. ساعات روز و شب امام چنان تقسیم بندی شده بود که ما می توانستیم بدون این که امام را ببینیم بگوییم که مشغول چه کاری اند. امام چنان نظمی در امور زندگیشان داشتند که انسان را مبهوت می کرد.» (ستوده، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۹)

از جمله رفتارهای فردی، آراستگی ظاهر و لباس، تا ترتیب وسایل منزل، محل کار، کتابخانه و قرار گرفتن هر چیزی در جای خودش، که آموزه های دینی بر این گونه از نظم پافشاری نموده و سیره معصومان نیز آن را تأیید می کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «خداوند زیبایی و خودآرایی را دوست دارد و بینوایی و فقرنمایی را ناخوش می دارد. هرگاه خداوند به بنده ای نعمتی می دهد دوست دارد اثر آن را ببیند. گفته شد چگونه؟ فرمود: لباس تمیز بپوشد، خود را خوشبو کند، خانه اش را گچ کند، حومه منزلش را جارو کند، حتی روشن کردن چراغ پیش از غروب آفتاب فقر را از بین می برد و روزی را زیاد می کند.» (شیخ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۷۵) پیامبر اکرم که الگویی نیکو در خداپاوری برای مسلمانان، توجه فراوانی به آراستگی محیط و ظاهر خویش می نمودند. برای کار لباسی داشتند و برای مناسبتها لباسی ویژه. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ص ۱۳۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۹، ص ۱۳۳-۱۸۲) هم چنین بسیار عطر استفاده می کردند به گونه ای که پس از گذر از کوچه، افراد از بوی عطر متوجه گذشتن ایشان از آن مکان می شدند. اگر عطر نمی یافتند پارچه ای را که در آن زعفران خوابانده بودند، نمناک می کردند، دستان خویش

را با آن خوشبو می کردند و به صورت خویش می کشیدند. (شیخ صدوق، بی تا، ج ۱، ص ۴۲۵) موها و ریش خویش را شانه می زدند و روغن می مالیدند و از بهترین روغن ها برای این کار استفاده می کردند و در آینه یا آب زلال می نگریستند. (طبرسی، ۱۳۹۲ق، ص ۳۵) همچنین آن حضرت رسیدگی به ظاهر را سفارش می کردند و در برخورد با افراد ژولیده مو و چرکین لباس یادآوری می کردند بهره وری از امکانات مادی و نمایاندن نعمت جزئی از دین است. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۴۳۹)

فردی که در رفتار درونی خویش در پی نظم یافتگی است سعی در خودشناسی، صداقت با خویش، محاسبه نفس، حفظ عزت نفس و کنترل خود دارد. چنین افرادی علاوه بر موارد یاد شده در کردار روزانه خویش نیز منظم می باشند. مواردی چون نظم در عبادت، رسیدگی به خانواده، توزیع زمان برای تحصیل و پژوهش، نوشتن، خوردن، راه رفتن و خوابیدن داخل در حوزه رفتار فردی است که دین اسلام بر آن انگشت نهاده و برای آن برنامه و ترتیبی ویژه ارائه گردیده است. یکی از جلوه های نظم رفتار فردی انجام کارها در زمان خود می باشد که باید با برنامه ریزی دقیق، دسته بندی و مقدم داشتن امور مهم تنظیم شود. برای کارآمدی این برنامه باید از پرداختن به امور کم اهمیت دوری جست؛ چرا که به تعبیر امام علی علیه السلام «هر کس به امری که مهم نیست، بپردازد آنچه را که اهمیت دارد، از دست می دهد.» (واسطی، ۱۳۷۶ش، ص ۴۶۰) و به عبارتی دیگر «ترک امور بی اهمیت زمینه ساز رسیدن به کارهای سودمند است.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ش، ص ۲۱۸) در حوزه نظم رفتار فردی دین اسلام دستورات بسیاری را مورد سفارش قرار می دهد که پیامبر اکرم و معصومین علیهم السلام مصادیق اتم موحدان دینی هستند که روایات بیشماری از آنها در کتب روایی اهل سنت و شیعه وارد شده که می توان ارتباط بین توحید عملی و نظم را نتیجه گرفت.

از جمله موارد نظم رفتار فردی در امور روزمره می توان به نظم در خوردن و نظم در عبادت اشاره کرد.

۱-۲. نظم در خوردن

فراوانی دستورهای دینی در سفارش به سر وقت غذا خوردن و خوداری از ریزه خواری میان عده های غذایی، تأکید بر خوردن شام و صبحانه (کلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۶، ص ۲۸۸)، شستن دستها پیش از غذا و بعد از آن (همان، ص ۲۹۰)، خشک نمودن دست پس از شستن برای غذا (همان، ص ۲۹۱)، یاد الهی پیش از خوردن و حمد پس از آن (همان، ص ۲۹۲)، آغاز نمودن و پایان دادن غذا با نمک (همان، ص ۳۲۷)، بلند نشدن از میانه غذا (همان، ص ۲۹۸)، نخوردن با دست چپ (همان، ص ۲۷۲)، همه نشان از توجه دین اسلام به نظم در امور جاری زندگی و همچنین بهداشت دارد. ما در زندگی روزمره این نظم رفتاری را در مردان خدایی به طور واضح می بینیم.

۲-۲. نظم در عبادت

عبادت نیاز روح، صفای دل و زمینه ساز ارتباط با خالق هستی و عالم ماوراء است. ترتیب و نظم ویژه ای که در این امر فردی لحاظ شده است نشان از اهمیت نظم در رفتار فردی دارد. وقت ویژه برای روزه، نماز، تأکید بر به جای آوردن نماز در اول وقت، شرائط ویژه مکان و لباس نمازگزار، توجه به قبله در نماز، مسواک زدن، زینت نمودن، استفاده از عطر و انتخاب محلی ویژه برای عبادت در منزل و موارد دیگر همه جلوه ای از نظم در عبادت است. توجه به ظرافت های نظم انگیز در عبادتی چون نماز به حدی است که امام صادق علیه السلام از یاران خود قبیح می داند که نتوانند پس از عمری یک رکعت نماز با شرائط به جا آورند. (کلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۳، ص ۳۱۱) یاران امام که دیندارند و خدا را شناختند و توحید افعالی را باور دارند، چرا در عمل خود نقص دارند و عبادت کامل را انجام نمی دهند و از این نظر است که از طرف امام مورد توبیخ قرار می گیرند.

یکی از جلوه های نظم در عبادت، در روزه است. چرا که همه مسلمانان هر ساله با مشاهده هلال ماه مبارک رمضان، روزه می گیرند و با دیدن هلال ماه شوال افطار می کنند. آغاز و انجام روزه نیز، طلوع سپیده صبح و مغرب است که دقیقه ای پس از آن و پیش از این، خوردن و آشامیدن حرام است، که خود نظمی دقیق است. در آیه ۱۸۴/ بقره «أَيَّاماً مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضاً...» که مراد از «ایاماً معدودات» زمان و تعداد معین است. (مشهدی، ج ۲، ص ۲۴۳) که آیه نظم خاصی را بیان می کند که مؤمنین با اعتقاد الهی این نظم خاص را هر ساله انجام می دهند. البته تمام مسلمانان جهان اگر عذری نداشته باشند مکلف به این تکلیف الهی هستند، و هر کس که اعتقادش قویتر و در ایمان خود راسختر باشد در انجام این عبادت موفقتر خواهد بود. کنگره بزرگ و سالیانه حج نیز نمودار نظم زیبای اسلامی است، در آیه ۱۹۷/ بقره «الْحَجَّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ ... وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَ اتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ» با توجه به آیه حج در ماه معینی انجام می گیرد و پس و پیش از این زمان صورت نمی گیرد (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۵۳۸) در این زمان خاص موحدان و یکتاپرستان که با بستن احرام متحدالشکل از میقات به سوی مکه حرکت می کنند، سپس با نظمی خاص، طواف، نماز، سعی و تقصیر و وقوف و قربانی را انجام می دهند. (الهامی نیا؛ طاهرزاده، ۱۳۷۹، ص ۳۶)

۳. نقش اندیشه توحیدی در رفتارهای اجتماعی

نیازهای مادی و معنوی انسان او را به زندگی اجتماعی کشانده است. (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۳۲) انسان برای دوام زندگی خود، نیاز به ارتباط با دیگران دارد و این ارتباط هم نیازمند ضابطه و قانون است. بدون قانون و نظم زندگی اجتماعی مختل می شود. انضباط مورد نظر ما انضباطی است که جهت و مسیر الهی داشته باشد و هیچ مانعی بر سر راه شکوفایی استعدادهای انسان ایجاد نکند. رساله حقوق امام سجاد علیه السلام نمونه بارزی از وظایف و حقوق شخص مسلمان در تعاملات اجتماعی است. برخی از موارد نظم اجتماعی عبارت است از :

۳-۱. پایبندی به پیمانها

یکی از بدیهی ترین ارزش های اجتماعی پایبندی به تعهدات است که مقبولیت عمومی دارد و همه ی عقلا بر آن متفقند تا آن جا که برخی از اندیشمندان غربی ، ریشه ی همه ی ارزش های اجتماعی را در قراردادهای و تعهدات اعم از قراردادهای آگاهانه و رسمی یا قراردادهای ارتكازی و ضمنی خلاصه کردند. دموکراسی و لیبرالیسم غربی بر اساس نظریه ی قرارداد اجتماعی پی ریزی شده است و قرارداد اجتماعی و تعهدات را سرچشمه حقوق می داند. بر این مبنا تنها چیزی که برای همیشه ثابت و تغییر ناپذیر باقی می ماند حق شرکت در قرارداد اجتماعی، عمل کردن در چارچوب آن و پایبندی به تعهدات اجتماعی است. این ها دارای ارزش ثابتی هستند و زمان و مکان خاصی نمی شناسند، اما حقوق ناشی از قراردادهای از این دیدگاه، کم و بیش متغیر و نسبی می دانند، ارزش عمل به قراردادهای و پایبندی به تعهدات را ثابت و همیشگی دانسته اند. شبیه ارزش قراردادهای پایبندی به تعهدات، ارزش امانت داری و امین بودن است، یعنی لزوم رد امانت، حکمی ثابت و همیشگی است که در هیچ شرایطی تغییر نمی کند. شاید بتوان گفت که ارزش امانت داری، یکی از مصادیق ارزش پایبندی به تعهدات و قراردادهایست، زیرا در واقع عقد امانت، قراردادی است که بین امانت دهنده و امانت گیرنده بسته می شود و امانت گیرنده بر اساس این قرارداد متعهد می شود که امانت را حفظ کند و آن را به امانت دهنده برگرداند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۶۵)

کلمه عهد در قرآن، به چند معنا به کار رفته است. گاهی به معنای سفارش، توصیه و تأکید کردن به کار رفته است که لازمه اش امر و فرمان است. عهد به این معنا دو گونه کاربرد داردگاهی به صورت عام متوجه همه مردم است و گاهی نیز متوجه یک طایفه و یا یک فرد خاص است. خداوند در آیه ۶۰ و ۶۱ / یس عهد را خطاب به همه مردم معرفی می کند. عهد در این آیه به

معنای تعهد طرفینی نیست، بلکه توصیه و سفارشی است از طرف خدا به مردم، گو این که بر «عهد الست» و «میثاق عالم ذر» تطبیق می شود که در آیه ۱۷۲ اعراف آمده است. (همان، ص ۱۷۵) گاهی نیز عهد به معنای قرارداد دو طرفه آمده است که اصطلاحاً به آن معاهده گفته می شود. عهد به این معنا گاهی بین دو فرد، دو گروه، دو جامعه، جامعه و فرد، جامعه و گروه و یا گروه و فرد برقرار می شود و گاهی بین انسان و خداوند تحقق می شود. عهدی که بین انسان و خداست اگر انشای آن از سوی انسان باشد، با خدا شرط می کند که اگر فلان درخواست من را برآورده سازی من نیز فلان عبادات را انجام می دهم که در واقع مصداق نذر مشروط می شود. (همان، ص ۱۷۶) در نذر آن چه که مد نظر است انجام آن در وقت معین خود است، یعنی فرد مؤمن و با اندیشه توحیدی خود را در انجام به موقع نذر ملزم می داند چه بسا با خواندن صیغه نذر و شرعی کردن آن این التزام را بین خود و خدای خود در نظر می گیرد. اما در مقابل فردی که در عمل پای بند به نذر خود نیست و نظم در انجام به نذر را رعایت نمی کند در ایمان خود ضعیف است. همان گونه که در آیه ۱۵ احزاب آمده است، «وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأُدْبَارَ» با توجه به این آیه گروهی از افراد ضعیف الایمان با خدا عهد بسته بودند که از جنگ فرار نکنند، اما به محض دیدن لشکریان کفر و احزاب مختلف به دلایل متفاوتی از زیر بار مسئولیت جنگ فرار کردند. (علامه طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۶۵) اما عهدی که میان فرد و جامعه برقرار می شود، به این صورت است که اعضای یک جامعه با یک فرد به عنوان رهبر جامعه میثاق می بندند که از او حمایت کنند و فرمانش را اطاعت نمایند. هم چنان که در آیه ۱۰ فتح آمده، «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» آیه در صدد بیان این تفسیر است که وقتی با پیامبر بیعت می کنید در واقع با خدا بیعت می کنید می توان گفت که آیه در واقع پیمان با پیامبر را پیمان با خدا می داند یعنی وقتی مردم به موقع در صحنه حاضر باشند و در هنگام ضرورت در کنار رهبر جامعه اسلامی وظیفه دینی خود را انجام دهند این نشانه ایمان به خداست. و خداواری مردم ارتباط تنگاتنگی با تجدید پیمان با رهبر جامعه اسلامی دارد، هم چنان که به عینه حضور به موقع مردم را در تاریخ ۹ دی سال ۱۳۸۸ در ایران دیدیم. چه بسا اگر افراد با ایمان جامعه، حضور به موقع را رعایت نمی کردند و تاخیر در تجدید پیمان داشتند سبب ضربه سنگینی به نظام جمهوری اسلامی می شد.

نوع دیگری از پیمان، عهد میان دو گروه یا دو جامعه، مانند جامعه اسلامی با دولت ها و ملت های دیگر است. که در فقه به صورت معاهده صلح و ترک جنگ و یا معاهده همکاری سیاسی، نظامی، اقتصادی و... که با صلاح دید رهبر جامعه اسلامی با دیگر جوامع منعقد می شود. در این پیمان نیز معمولاً کشورهای اسلامی که بر مباحث اخلاقی پای بند باشند و اعتقاد به خدا در رأس امرشان قرار داشته به قول و وعده ای که می دهند بیشتر از کشورهایی که بویی از خداواری نبردند عمل می کنند، و اطمینان خاطری برای هر دو طرف وجود دارد. همان گونه که در آیه ۱۷۷ بقره آمده است: «الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا» و یا در آیه ۸ مومنون «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» خدا به مسلمانان دستور می دهد که به معاهدات خود پای بند باشند و یا در آیه ۱ مائده به مؤمنین دستور می دهد که به عقود خویش پای بند باشند. با دقت در این آیات می توان به این نکته پی برد که خداوند مؤمنین را مورد خطاب قرار می دهد چرا که آن ها به دلیل صفت ایمان انتظار می رود که بر اساس اعتقادات خود عمل کنند و اعتقاد به خدا در تمام اعمالشان نمودار باشد. در بسیاری از آیات قرآن کریم، افراد عهد شکن و بی توجه به پیمان های اجتماعی مورد نکوهش قرار می گیرند، از جمله در آیه ۱۰۰ بقره «أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» در این آیه صریحاً اشاره شده کسانی که عهدشکنی کردند ایمان ندارند پس می توان گفت که بین عهد شکنی و عدم ایمان ارتباط وجود دارد. و یا در آیه ۵۶ انفال «الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَ هُمْ لَا يَتَّقُونَ» پیمان شکنان افراد بی تقوا شمرده شدند. هم چنین در سوره توبه که بیش از هر سوره دیگری مسئله عهد و پیمان

آمده است، خداوند در این سوره سخن از معاهده‌ای را به میان آورده است که بین مسلمانان و مشرکین برقرار شده بود و مشرکین آن قرارداد را نقض کرده بودند (آیه ۱/توبه) با توجه در این آیات عدم توحید مشرکین سبب اصلی پیمان شکنی مشرکین است که اگر مشرکین توحید نظری و عملی داشتند نظم در عقود و پیمان بین دو طرف را رعایت می‌کردند.

یکی از مصادیق روشن عهد، که مورد تأکید قرار گرفته و در بعضی از آیات در کنار عهد ذکر شده امانت داری است. رعایت امانت نیز مانند عهد، نزد همه عقلا از هر دین و مذهبی که باشند محترم است. در آیه ۸/ مؤمنون «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» از خصوصیات بارز مؤمنین پرداخت امانت و وفای به عهد است، یعنی مؤمنین در پرداخت به موقع امانت و وفای به عهد اصرار دارند چرا که عملشان به سبب ایمان و اعتقاد به خداست. و اگر هیچ گونه ارتباطی بین ایمان و عملشان نبود، از طرف خداوند مورد خطاب واقع نمی‌شدند.

۳-۲. نظم در گفتار

نظم در گفتار جلوه‌ای از نظم در حوزه ارتباطی است. برای دست یافتن به این نظم باید دقت نمود که چه بگوییم، چگونه بگوییم، چه وقت بگوییم و چه مقدار بگوییم. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۲۵) رام کردن زبان و نظم دادن به فکر و سخن پیش از گفتار از تراوش‌های ذهن نظم‌یافته است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «زبان را با دل یکی گردانید. شخص باید زبان خود را نگاه دارد که این زبان به صاحبش قصد سرکشی دارد...» (نهج البلاغه، خ ۱۷۶) آموزه‌های دینی به ابعاد مختلف نظم در گفتار توجه نموده به درجه‌ای که نظم ظاهری کلام را نیز از شمار نیکوییهای کلام به شمار آورده‌اند. طوری که حضرت علی علیه السلام نیکوترین سخن را کلامی می‌داند که نظم نیکویش آن را زینت بخشد و خاص و عام آن را بفهمند. (واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۴) در زندگی روزمره خود، افراد ایمانی که شناخت کامل به یگانگی خدا دارند و در اعتقاد خود راسخ هستند، در عمل نیز زبانزدند و در امور اجتماعی به خصوص ارتباط با دیگران، دستورات دینی را عمل می‌کنند و در انجام آنها پافشاری نیز دارند. مردان الهی در همه عرصه‌های زندگی خود، هم بیان خوبی داشتند و هم چنین حرف‌های خوب می‌زدند. و این امر نشان از ایمان واقعی به خدا، و رعایت دستورات دینی است.

از صفات بارز مؤمنین در سوره مؤمنون، اعراض آن‌ها از هر گونه لغوی است. (مؤمنون/۳) بدین معنا که تمام فعالیت‌ها و خطوط زندگی مؤمن هدف مفید و سازنده‌ای را دنبال می‌کند، حتی در سخن گفتن نیز بی‌نظمی را تجربه نمی‌کند.

نتیجه گیری

توحید از مهم‌ترین اصول اعتقادی دین اسلام است و به صورت توحید نظری و عملی در آموزه‌های دینی ما نمایان می‌شود. با توجه به مراتب ایمان، مؤمنین در عمل به آموزه‌های دینی متفاوتند. گروهی در توحید نظری متوقف شدند و در عمل به دستورات اسلام، حرکتی از خود نشان نمی‌دهند. اما افرادی که به عنوان الگو از طرف قرآن کریم معرفی می‌شوند بهترین مصادیق عمل کنندگان به دستورات الهی هستند. از جمله اموری که ارتباط تنگاتنگی با توحید دارد ایجاد نظم در کارها و ارزشهای دینی است. که مهم‌ترین عامل مؤثر برای ایجاد نظم، دینداری است. یعنی التزام به تعهدات دینی بهترین و کامل‌ترین روش برای ایجاد نظم در فرد و جامعه است؛ چرا که بین دین حقیقی و نظم هماهنگی تنگاتنگی وجود دارد تا جایی که می‌توان گفت انسان مؤمن مصداق عینی و کامل انسان منظم است. در بررسی صفات مؤمن به نقطه‌های روشنی بر می‌خوریم که تنها یکی از آنها کافی است که مؤمن را به بهترین و بالاترین وجه ملزم و مقید به رعایت نظم نماید. تمام فعالیت‌ها و خطوط زندگی مؤمن هدف مفید و سازنده‌ای را دنبال می‌کند و سردرگم و بی‌هدف روزگار بی‌نظمی را تجربه نمی‌نماید. امور دینی پیوندی ناگسستنی با نظم دارد، قرآن به عنوان ترسیم کننده نظام زندگی در مسائل مادی و معنوی و دستورالعمل دینداری مطرح شده است. و تا افراد به دین و ارزشهای اخلاقی معرفت پیدا نکنند و آن را از نظر کاربردی در زندگی روزانه به کار نگیرند از نظم نیز خبری نخواهد بود.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، تهران، الوان، ۱۳۹۳
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، قم، ۱۳۷۶.
۳. ابن منظور، محمد، (بی تا) لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن شهر آشوب، (۱۳۷۶ق)، مناقب آل ابی طالب، نجف: المطبعه الحیدریه.
۵. الهامی نیا، علی اصغر؛ طاهرزاده، غلامعباس، (۱۳۷۹)، اخلاق عبادی، قم: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۶. جواد آملی، عبدالله، (۱۳۸۳)، توحید در قرآن، قم: اسراء
۷. چلبی، مسعود، (۱۳۷۵)، جامعه شناسی نظم تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۸. حرانی، حسن بن علی بن شعبه، (۱۳۶۳)، تحف العقول، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۹. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد، (۱۳۸۶)، مقدمه الأدب، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴) مفردات الفاظ قرآن، تهران: بی تا.
۱۲. ستوده، امیررضا، پایه پای آفتاب، گفته ها و ناگفته ها از زندگی امام خمینی، بی تا، نشر پنجره.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۴۸)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه دارالعلم.
۱۴. -----، (۱۴۱۹)، سنن النبی، قم: انتشارات اسلامی.
۱۵. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۹۲)، مکارم الأخلاق، منشورات الشریف الرضی.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴)، الأمالی، قم: دارالثقافه.
۱۷. عسکری، حسن بن عبدالله، بی تا، الفروق اللغه، بیروت، دارالافاق الجدیده.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۴)، العین، قم: انتشارات اسوه.
۱۹. قمی، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۷)، امالی، قم: مؤسسه البعثه.
۲۰. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، قم: انتشارات اسوه.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۷) الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۲. گیلانی، عبدالرزاق بن محمد هاشم، (۱۳۶۶)، مصباح الشریعه، تهران: نشر صدوق.
۲۳. لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶)، عیون الحکم والمواظط، دارالحديث.
۲۴. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
۲۵. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۶)، معارف در قرآن، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی.
۲۶. -----، (۱۳۸۸)، اخلاق در قرآن، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی.
۲۷. مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴)، الکاشف، قم: دار الکتاب الإسلامی.
۲۸. مشهدی، محمد بن محمد رضا، (۱۳۶۸)، کنزالدقائق، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۹. نوربها، رضا، (۱۳۹۱)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش.